

۱. خلاصه و یافته های کلیدی راپور سروی ایشیا فونديشن سال ۲۰۰۸

۱.۱ یافته های کلیدی

- باوجود یک تمایل نزولی از سال ۲۰۰۶ بدینسو، ۳۸٪ سروی شده گان میگویند که مملکت در مسیر درست در حرکت است، درحالیکه ۳۲٪ بدین باور اند که مملکت در مسیر غلط روان است، و ۲۳٪ آنها مفکوره مختلط دارند. در جریان دوسال اخیر تمایل واضح به بد بینی ها محسوس است.
- وضعیت امنیتی یک دلیل عمده است که هر دو گروه سروی شده گان آنرا به حیث دلیل سیر قهقرایی و همچنان حرکت کشور در مسیر درست، ارائه میکنند. تعداد سروی شده گانیکه عدم امنیت را دلیل عمده بدبینی عنوان مینمایند، طی سال گذشته یک در چهار (۲۵٪) افزایش یافته است.
- بزرگترین چالشهای که بطور عموم افغانستان به آن مواجه است عبارتند از مشکل امنیتی ۳۶٪، مشکلات اقتصادی بشمول بیکاری ۳۱٪، افزایش قیمت ها ۲۲٪، اقتصاد ضعیف ۱۷٪، و فساد اداری ۱۴٪ عنوان گردیده است.
- بطور کل، تعداد سروی شده گانیکه وضعیت امنیتی را در ساحات محلی شان مثبت تلقی مینمایند در بیشترین مناطق از سال ۲۰۰۷ بدینسو تقلیل یافته اند. سروی شده گان بهبود وضعیت امنیتی را در هزاره جات مرکزی، زون غرب و زون شرقی حکایه میکنند اما در جنوب شرق و مناطق مرکزی مردم از خرابی مسلسل وضعیت امنیتی گزارش داده اند. (به ضمیمه ۴ به نقشه مراجعه نمائید).
- یک جمع کثیر از سروی شده گان (۸۲٪) مخالف کشت کوکنار هستند؛ گرچه از سال ۲۰۰۶ بدینسو این مسیر بصورت قابل ملاحظه در مناطق مختلف تغیر یافته است. تعداد سروی شده گانیکه میگویند کشت کوکنار کار نادرست است به صورت واضح در هزاره جات مرکزی و شمال شرق بلند رفته است اما تعداد کسانیکه کشت کوکنار را ناپسند می شمارند در جنوب شرق و شرق کشور تقلیل یافته اند.
- بیکاری یکی از چالشهای عمده به سطح محلی و ملی بالترتیب ۲۸ و ۳۱٪ دیده میشود. ۷۸٪ سروی شده گان میگویند که میزان کاریابی در مناطق روستایی بسیار پائین است. فقط ۷٪ سروی شده گان در جریان دو سال اخیر از بهبود زمینه های کاریابی گزارش داده اند.
- مهمترین چالشهای محلی مربوط به تاسیسات زیربنایی از قبیل برق ۳۰٪، آب ۲۲٪ و سرک ۱۸٪ بشمار میرود. قلت برق اکثراً در مناطق شمال شرقی، شرقی و جنوب غربی به ملاحظه میرسد.

- بزرگترین چالش دیگری که زنان در افغانستان به آن مواجه اند عبارت است از فقدان تعلیم و سواد (۴۵٪ سروی شده گان).
- وسیعترین سهولت عبارت از تعلیمات اطفال میباشد که توسط ۷۰٪ از سروی شده گان مثبت قضاوت گردیده است. همچنان (۴۴٪) سروی شده گان طی دوسال اخیر بهبود را در مورد دسترسی به مکاتب گزارش داده اند.
- تعداد از سروی شده گانیکه میگویند آنها امروز نسبت به دوران طالبان خوشبخت تر اند، از سال ۲۰۰۶ بدینسو بطور قابل ملاحظه از ۵۴٪ به ۳۶٪ تقلیل یافته است، درحالیکه شماری دیگری که به این باور اند که حالا کمتر خوشبخت هستند تعداد شان بلند رفته است (از ۲۶٪ در سال ۲۰۰۶ به ۳۶٪ در سال ۲۰۰۸).
- ۶۷٪ از سروی شده گان نسبت به کارکرد های حکومت مرکزی ارزیابی های مثبت دارند ، ولی تعداد کسانیکه میگویند حکومت هیچ مثبت ندرخشیده از سال ۲۰۰۷ بدینسو دو چندان شده است. اجراءات دولت بیشتر در بخشهای معارف و صحت مثبت بوده است. سروی شده گان از کارکرد های دولت در صحنه های اقتصادی و مبارزه علیه فساد کمتر نظریات مثبت دارند.
- در سطح محلی سروی شده گان اولاً از اجراءات حکومت ولایتی (۷۴٪) وثانیاً از اجراءات حکومت های ولسوالی (۶۷٪) رضایت خود را اظهار نموده اند. سروی شده گان کمترین رضایت شانرا از مقامات شاروالیها نشان میدهند که به (۵۰٪) میرسد. سطح رضایت از حکومت در تمام عرصه ها از سال ۲۰۰۷ بدینسو کاهش یافته است.
- نظریات عامه در مورد سیستم قضایی اعم از رسمی و غیر رسمی مثبت باقی مانده اند. سروی شده گان، بخصوص در دهات، تا حال باورو اعتماد بیشتر بالای سیستم عرفی حل منازعات به تناسب سیستم رسمی قضایی دارند. میزان رضایت از میکانیزم جرگه ها و شورا ها نسبت به محاکم دولتی بلند تر است، که فیصدی های ذیل نشاندهنده آن میباشد دسترسی به سیستم عرفی (۷۶٪ در مقابل ۶۸٪)، انصاف و اعتماد (۷۰٪ در مقابل ۵۰٪) موثریت آنها در تعقیب نورمها و ارزش های محلی (۶۹٪ در مقابل ۵۰٪) و عدالت به (۶۹٪ در مقابل ۵۲٪) میرسد. هر دو سیستم از لحاظ وقت و پروسه کاری آنها کمتر مثبت قضاوت گردیده اند که میزان آن (۵۰٪ در مقابل ۳۸٪) گزارش داده شده است.
- در سال ۲۰۰۸ یکبار دیگر معمولترین تعریف مردم سالاری (دیموکراسی) که توسط سروی شده گان گفته شد عبارت از آزادی میباشد که با صلح به پیش میرود. تعداد از سروی شده گان که اساسات دیموکراسی مثل حکومت مردمی، حقوق و قانون را عنوان میکنند تدریجاً از سال ۲۰۰۶ بدینسو تقلیل یافته اند.

- بیش از ۶۸٪ از سروی شده گان میگویند که با شیوه ی که مردم سالاری (دیموکراسی) در افغانستان روان است موافق هستند؛ با این حال، سطح نا رضایتی ها در مناطق جنوب غربی به میزان (۴۴٪)، در مناطق جنوب شرقی به میزان (۳۵٪) و مناطق شرقی کشور به میزان (۳۳٪) ثبت گردیده است.
- نهاد های منتخب محلی اعم از رسمی و غیر رسمی از اطمینان و اعتبار حدود دو بر سه حصه از سروی شده گان برخوردارند که این اعتماد در مورد شوراها و جرگه ها (۶۹٪)، در مورد شورا های انکشافی قریه ها و شورا های ولایتی (۶۵٪) میباشد.
- حدود تقریباً نصف از سروی شده گان روستایی (۴۷٪) و عده از ساکنین شهرها (۲۳٪) از شورای انکشافی قریه ها در محلات شان آگاهی دارند، در سراسر مملکت بطور عموم آگاهی در مورد شورا های انکشافی قریه ها از (۳۷٪) در سال ۲۰۰۶ به (۴۲٪) در سال ۲۰۰۸ ازدیاد یافته است.
- فقط بیشتر از نصف (۵۳٪) سروی شده گان از انتخابات سال ۲۰۰۹ آگاهی دارند و تقریباً حدود (۴۸٪) میگویند که آنها میدانند که چطور باید ثبت نام نمایند تا رای داده بتوانند. حدود سه حصه (۷۷٪) از سروی شده گان میگویند که آنها احتمالاً رای خواهند داد. این درحالیست که پاسخ های مثبت در رابطه با تمام مسایل فوق الذکر عمدتاً بین طبقه ذکور نسبت به طبقه اناث بیشتر بوده است.
- ۷۲ فیصد از سروی شده گان میگویند که آنها تا حدودی مطمئن هستند که دولت از عهده اداره و تنظیم روند آزاد و عادلانه انتخابات آینده بدر خواهد آمد. چالش بزرگی که سد راه این پروسه خواهد گردید بدرجه اول نا امنی به تعقیب حکومت ضعیف و فساد اداری خواهد بود.
- (۵۱٪) از سروی شده گان رادیو را و (۲۱٪) تلویزیون را منحصت منبع عمده معلومات خویش استفاده مینمایند. تلویزیون یک منبع مقدم معلومات در ساحات شهری نزد سروی شده گان تلقی گردیده است.

۱,۲ خلاصه

سی و هشت فیصد سروی شده گان میگویند که مملکت در مسیر درست در حرکت است، درحالیکه ۳۲٪ بدین باور اند که مملکت در مسیر نادرست روان است، و ۲۳٪ آنها مفکوره مختلط دارند. اما طی دو سال اخیر بدینی ها در این مورد بصورت واضح افزایش یافته است. تعداد کسانی که میگویند مملکت به جهت مثبت در حرکت است از سال ۲۰۰۶ بدینسو پیوسته در حال کاهش است درحالیکه تعداد کسانی که میگویند مملکت به جهت منفی در حرکت است ازدیاد یافته است.

نگرانی های امنیتی بزرگترین چالش در افغانستان شناسایی گردیده است که بصورت عموم این نگرانی عامل عمده و شکل دهنده هر دو جهت بد بین و خوش بین در مملکت محسوب میگردد. اما واضح است که مسایل امنیتی در افغانستان یک بُعد محلی دارد. یافته های سروی نشان میدهد که وضع امنیتی در افغانستان در سال ۲۰۰۸ بیشتر چند قطبی گردیده و به عقیده سروی شده گان در بعضی جاها احساس مصئونیت میشود اما برعکس در سایر مناطق ناامنی کاملاً مشهود است. رویهمرفته تعدادی از سروی شده گان که شرایط امنیتی را مثبت عنوان میکنند، در بیشترین مناطق از سال ۲۰۰۷ بدینسو کاهش یافته است. سروی شده گان از بهبود وضع امنیتی در هزاره جات مرکزی، زون غربی و مناطق شرقی حکایت داشته اما از سال ۲۰۰۶ بدینسو در مناطق جنوب غرب، جنوب شرق و مناطق مرکزی وضعیت امنیتی را در حال بدتر شدن قلمداد میکنند. نسبت هر دو گروه سروی شده گان یعنی هم کسانی که میگویند که آنها اکثراً برای وضعیت امنیتی خویش بیمناک میباشند و آنهائیکه میگویند که هرگز از وضعیت امنیتی هراس ندارند از سال ۲۰۰۷ بدینسو افزایش یافته است که البته این موضوع بالای موجودیت تفاوتها در وضعیت امنیتی مناطق مختلف تأکید بیشتر مینماید.

مثل سالهای قبل، این سروی نیز نشان میدهد که بمقایسه ترس و هراسی که سروی شده گان از رهگذر مسایل امنیتی دارند، ایشان بصورت عملی و حقیقی کمتر با موارد خشونت و جرم مواجه شده اند. زمانیکه از سروی شده گان در رابطه به خشونت و جرایم که آنها تجربه کرده اند پرسیده شد، معلوم گردید که خشونت ذات الینی و تهدید به خشونت در مجموع بارزترین انواع خشونت بوده که به آنها رخ داده و جرایم مربوط به دارایی در درجه دوم قرار دارد. تجربه انواع مختلف جرایم در سال ۲۰۰۸ وسیعاً مشابه به جرایمی بوده است که طی سالهای قبل ثبت گردیده اما به استثنای جنوب غرب و جنوب شرق کشور که این چنین جرایم بشکل دیگری انجام میابند.

سروی نشان میدهد که بیشترین شماری از سروی شده گان در انجام یک سلسله فعالیت های اجتماعی محلات شان مانند حل مشکلات به سطح محل یا رای دهی در انتخابات ملی خود را مصئون احساس میکنند. اما آنها بطور قابل ملاحظه اشتراک در رویدادهای سیاسی عامه مانند اشتراک در یک مظاهره صلح آمیز احساس خطر میکنند. اگر چه زنان نسبت به مردان زیادتر احساس خطر در انجام دادن فعالیت های اجتماعی مثل حل منازعات و یا هم اشتراک در مظاهره صلح آمیز میکنند اما در مسایل ملی مانند رای دهی تفاوت فاحش به نظر نمیرسد.

همانند سالهای قبل اردوی ملی افغان و پولیس ملی افغان از بلندترین سطح اعتماد مردم در تمام نهاد های دولتی برخوردار هستند اما سروی شده گان در مورد ظرفیت این نهاد ها با توجه به وضعیتی که در آن قرار دارند، وهم اینکه بتوانند بشکل مؤثر و بدون کمک های خارجی فعالیت نمایند، اظهار نگرانی نمودند.

تعداد سروی شده گانیکه اظهار چنین نگرانی ها را مینمایند از سال ۲۰۰۷ بدینسو کاهش یافته است. این بدان معناست که ظرفیت این دو نهاد رو به بهبود است.

اکثریت قاطع سروی شده گان مخالف کشت کوکنار هستند؛ هرچند از سال ۲۰۰۶ بدینسو سلوک و روش در این مورد در مناطق مختلف به اشکال گوناگون بوده است. تعداد سروی شده گانیکه میگویند کشت کوکنار نادرست است، بطور قابل ملاحظه در هزاره جات مرکزی و شمال شرق بلند رفته است اما تعداد کسانیکه کشت کوکنار را ناپسند می‌شمارند در جنوب شرق و شرق کشور تقلیل یافته است. کسانیکه کشت کوکنار را تائید مینمایند اساساً برای توجیه این کار دلایل اقتصادی عنوان مینمایند، به گونه مثال ایجاد فرصت های کاری و مفاد قابل ملاحظه برای دهاقین و کارگران که با نگرانی ها درمورد بیکاری که یکی از چالشهای بزرگ محلی و ملی است، سازگاری دارد. کسانیکه مخالف کشت کوکنار هستند بیشتر دلایل مذهبی را عنوان مینمایند (بخاطریکه این کار در اسلام منع قرار داده شده). تعداد قابل ملاحظه از سروی شده گان ارتباط بین کشت کوکنار، تروریزم، فساد، انحرافات و جرایم را اظهار مینمایند. صرف تعداد کمی از سروی شده گان مخالفت شانرا با کشت کوکنار بنابر ممنوعیت قانونی آن عنوان میکنند.

معضلات اقتصادی بخصوص صعود قیم که مربوط به بحران جهانی در نرخ مواد غذایی میشود، بیکاری، و ضعف اقتصاد در سال ۲۰۰۸ بمقایسه سال ۲۰۰۷ منحنی چالش های عمده ملی بارزتر گردیده است. از سال ۲۰۰۶ بدینسو یک تنزیل قابل ملاحظه در تعداد سروی شده گانیکه میگویند آنها امروز خوشبخت تر اند نسبت به رژیم طالبان، دیده شده و خاطر نشان مینمایند که آنها در سال ۲۰۰۸ نسبت به سالهای قبلی یک احساس نارضایتی شدیدی از وضعیت اقتصادی خانواده های شان داشته اند.

بیکاری در سطح محلی بحیث یک چالش عمده شناخته شده و طی دو سال اخیر در عرصه ایجاد شغل و کاریابی بهبود بسیار اندکی رونما گردیده است. سطح امیدواری برای بهبود در آینده در این عرصه خیلی پائین است و عده زیادی از سروی شده گان به این باور اند که فرصت های کاری طی سالهای آینده بیشتر کاهش خواهد یافت.

سایر چالشهای عمده محلی که سروی شده گان از آن تذکر داده اند شامل مشکلات مربوط به تاسیسات زیربنایی مانند دسترسی به برق، آب، کمبود سرک ها و خدمات لازم عامه از قبیل مواظبت های صحی و تعلیم و تربیه میباشد. مشکل تهیه برق بحیث یک چالش جدی باقی مانده و در صدر اولویتهای سال ۲۰۰۸ قرار دارد. دسترسی به برق به پیمانانه وسیع در ساحات شهری و روستایی و سایر حوزه ها متفاوت میباشد.

از جانب دیگر تعداد کثیری از سروی شده گان قابل دسترس بودن آب پاک آشامیدنی در محلات شانرا یک گام مثبت تلقی نموده و برای سال آینده توقع پیشرفتهای بیشتر در این عرصه را دارند. این سروی نشان میدهد که بزرگترین مشکلاتی را که زنان افغانستان به آن مواجه اند عبارت از عدم تحصیل و بیسوادی میباشد. عدم رعایت حقوق زنان و فقدان فرصت های کاری برای زنان همچنان در صدر فهرست مشکلات زنان قرار دارد.

در حال حاضر وسیع ترین سهولتی که موجود است عبارت از فرصت تعلیم و تربیه برای اطفال میباشد. در میان اولویت های انکشافی معارف جایگاه پنجم را کسب کرده است زیرا سروی شده گان در دو سال گذشته از بوجود آمدن اصلاحات قابل ملاحظه در این عرصه صحبت نموده اند. باوجود این هم سروی شده گان توقع دارند تا اصلاحات بیشتر در این زمینه رونما گردد.

بنظر میرسد که اکثریت برنامه های اولویت انکشافی شامل معارف، بازسازی، اعمار سرک ها، پل ها و یا شبکه های آبرسانی و مراقبت های صحی میباشد. حکومت افغانستان به مثابه نخستین مرجع مسئول فعالیت های انکشاف اقتصادی، فراهم آوری خدمات عام المنفعه از قبیل برق و آب و تامین خدمات اولیه عامه محسوب میگردد. در سراسر کشور تقریباً یک پنجم حصه سروی شده گان در رابطه به پلان های انکشافی که حکومت برای ولایت های شان در نظر دارد آگاهی دارند، اگرچه میزان آگاهی ایشان در هر ولایت از هم متفاوت میباشد. از میان آنعده کسانی که در رابطه به پلان های انکشافی حکومت آگاهی دارند تقریباً دو سوم شان به نحوی در رابطه به نوعیت فعالیت های انکشافی که برای ولایت شان پیشنهاد شده است آگاه هستند.

بررسی کلی سروی شده گان پیرامون کارکرد های دولت مرکزی به ویژه در رابطه به تامین خدمات اولیه مثبت میباشد. اکثراً به کارکرد های حکومت در عرصه معارف و مراقبت های صحی به نظر مثبت دیده میشود و اما در عرصه های اقتصادی و مبارزه علیه فساد اداری این سطح مثبت نگری کمتر میباشد. در سطح محلی سروی شده گان با کارکرد های ادارات محلی و ولسوالی ها اکثراً رضایت نشان داده اما از کارکرد های مسئولین شاروالی ها کمتر رضایت دارند. هر چند از سال ۲۰۰۷ بدینسو میزان رضایت مردم از کارکرد های دولت در تمام عرصه ها کاهش یافته است.

یکی از موضوعاتی که باعث کاهش رضایت مردم شده است فساد اداری میباشد که هنوز هم بعنوان یک مشکل عمده در تمام سطوح تلقی میگردد. شایع بودن این برداشت که فساد اداری در کشور رایج است فاصله نهاد های دولتی را با زنده گی روزمره مردم افزایش میدهد. حتی برداشت هایی در رابطه به اینکه غالباً فساد اداری در سطوح بالایی حکومت نیز در حال افزایش میباشد وجود دارد. برداشت شایع بودن

فساد اداری میتواند یک منبع مهم نگرانی باشد و از سوی دیگر خود نهادهای که مسئولیت ثبت و پیگیری موارد فساد را دارند در نزد مردم از اعتماد کمتر برخوردار میباشند.

یک موضوع دیگری که باعث کاهش رضایت مردم میگردد عبارت افزایش برداشت منفی پیرامون سطح حساسیت نهادهای منتخب در راستای رفع مشکلات عامه که برای مردم مهم است، میباشد. نظریات مثبت نسبت به بررسی کارکرد های شورای ملی در زمینه رفع مشکلات عمده کشور از ۲۰۰۷ بدینسو کاهش یافته است و عین قضاوت در مورد اقدامات و کلای پارلمان برای رفع مشکلات موکلین شان نیز وجود دارد.

نهاد های منتخب محلی اعم از رسمی و غیر رسمی بشمول شوراهای ولایتی، شورای انکشافی قریه ها، و شورا های سنتی و جرگه ها از اعتماد سروی شده گان برخوردار میباشند. آگاهی در مورد شورا های انکشافی قریه ها در حال افزایش میباشد، بخصوص در مناطق روستایی که این شورا ها فعالیت دارند. مانند سال های گذشته اصولاً عضویت شورا های انکشافی قریه شامل افراد بانفوذ محلی میباشد و همچنان نشانه های عمده در رابطه به حضور گروه های اجتماعی ضعیف تر چون دهقانان عادی، دهقانان بدون زمین و زنان هم بنظر میرسد. اکثریت سروی شده گان که در مورد این شوراها آگاهی دارند از کارکرد این شورا ها راضی بنظر میرسند.

این سروی نیز شامل سایر نشانه های افزایش مشارکت اجتماعی در اتخاذ تصمیم میباشد. دو سوم سروی شده گان احساس میکنند که آنها توانایی اعمال نفوذ در تصمیم دولت را تا یک اندازه دارند. که این امر نمایانگر افزایش قابل ملاحظه اعتماد مردم نسبت به ظرفیت تاثیر گذاری فردی از سال ۲۰۰۶ بدینسو میباشد. علاوه بر آن از سال ۲۰۰۶ بدینسو تناسب کسانی که میگویند دولت باید برای اتخاذ تصمیم عامه با علمای دین مشوره کند، افزایش یافته است.

سروی نشان میدهد که سروی شده گان میکانیزم سنتی حل منازعات و سیستم عدلی و قضایی دولتی را از لحاظ دسترسی، عدالت، قابل اعتماد بودن و موثریت آن در رعایت ارزشهای محلی و تامین عدالت به نظر مثبت مینگرند؛ اما از وقت گیر بودن طرزالعمل های کاری آنان کمتر رضایت نشان داده اند. در تمام عرصه ها سطح رضایت سروی شده گان در قبال شوراها و جرگه ها بالاتر میباشد. در مورد سیستم قضایی دولت و به محاکمه کشاندن مجرمین نظریات مختلف نسبت به محاکم وجود داد. به اساس یافته های این سروی، سروی شده گان در مسایل دعاوی زمین و قضایای طلاق در میان زنان ترجیح میدهند تا به محاکم دولتی مراجعه نمایند.

میکانیزم غیر رسمی قضایی نیز توسط مردم محل بمنظور حل مشکلات، راپور در مورد جرایم یا جهت حل اختلافات و منازعات آنها در ساحات دور دست کشور مکرراً مورد استفاده قرار میگیرد. متوسل شدن به میکانیزم های غیر رسمی قضایی در مناطق شرق و جنوب شرق بیشتر بوده در حالیکه در مناطق شمال شرق و مرکز کابل مردم تشکیلات رسمی قضایی را ترجیح میدهند. میزان اطمینان کسانیکه که دوسیه های شانرا به شوراها و جرگه های محلی ارجاع نموده اند، نسبت به کسانیکه به محاکم رسمی دولت مراجعه میکنند، بسیار بلند میباشد. قابل یاد آوریت که این تفاوت از سال ۲۰۰۷ بدینسو افزایش یافته است. یافته های این سروی نشان میدهد که سیستم رسمی و غیر رسمی عدلی در کشور هیچگاه در مخالفت با یکدیگر قرار نداشته بلکه هر دو سیستم منحيث نهاد های زنجیره مردم را در موارد رسیده گی به قضایای جرمی و منازعات دیگر کمک و همکاری مینمایند.

بازهم در سال ۲۰۰۸، تعریف عمومی مردم سالاری (دیموکراسی) که از سروی شده گان بدست آمده است عبارت از آزادی توام با صلح میباشد. همچنان اکثریت منفعت های فردی دیموکراسی که سروی شده گان به آن اشاره نموده اند این است که سروی شده گان فکر می کنند تحقق صلح و آزادی برای اتباع کشور یک امتحان بزرگ برای افغان ها و موفقیت سیستم مردم سالاردر افغانستان میباشد. در مقایسه با آن، تناسب کسانیکه که دیموکراسی را بطور اساسی تعریف میکنند و آنرا حکومت مردم، قانون و حقوق مردمی میدانند، از سال ۲۰۰۶ بدینسو کاهش یافته است. تناسب کسانیکه به این عقیده اند که دیموکراسی ارزش های اسلامی را به چالش میکشد نیز از سال ۲۰۰۶ بدینسو کاهش یافته است اگرچه این نظر تا هنوز هم میان یک چهارم مردم بخصوص مردمی که در ساحات دور دست کشور زندگی میکنند، دارای عواید بسیار کم برای خانواده شان اند و یا هم کسانی اند که هیچگاه به مکتب نرفته اند، وجود دارد. بصورت عموم، اکثریت مردم با روش هایی که دیموکراسی در افغانستان تطبیق میگردد، موافق اند؛ هرچند مخالفت ها و نارضایتی های قابل ملاحظه در ساحات جنوب غرب، جنوب شرق و مناطق شرقی کشور دیده میشود.

یافته های سروی حاکی از دو دلی های روبه افزایش پیرامون آزادی عمل برای احزاب سیاسی میباشد. اکثریت سروی شده گان با این مفکوره که دولت باید فعالیت های صلح آمیز احزاب مخالف را مجاز بشمارد، موافقت نشان میدهند. با این حال از سال ۲۰۰۶ به اینطرف حمایت از این موضوع که احزاب در مناطق محلی جلسات برگزار کرده بتوانند به تدریج کاهش یافته است. سروی همچنان نمایانگر کاهش در تحمل و پذیرش نقطه نظرهای سیاسی از سال ۲۰۰۶ به اینطرف میباشد چنانچه اکثریت سروی شده گان میگویند که وابستگی های مختلف حزبی باعث از هم گسستن دوستی آنها با دیگران خواهد گردید. اعتماد عامه بالای احزاب سیاسی هنوز هم در سطح پائین قرار داشته و عقیده بر این است که هنوز سیستم

احزاب سیاسی بمثابة یک مؤلفه کلیدی روند سیاسی دیموکراتیک در افغانستان جایگاه خود را به درستی احراز نموده است.

سروی شده گان ابراز میدارند که هنوز هم بالای سودمندی رای دهی برای آوردن تغییر عقیده دارند. به هر حال، حدوداً دو برابر این سروی شده گان به این عقیده هستند که رای دهی باید بر پایه ارجحیت های جامعه استوار باشد نه اولویت های شخصی. تقریباً چیزی بیشتر از نصف سروی شده گان از انتخابات سال ۲۰۰۹ آگاهی داشته و کمتر از نصف ایشان میدانند که چگونه باید برای رای دهی ثبت نام کنند. سه ربع سروی شده گان اذعان میکنند که احتمالاً رای خواهند داد. این درحالیست که پاسخ های مثبت در رابطه با تمام مسایل فوق الذکر عمدتاً بین طبقه ذکور نسبت به طبقه اناث بیشتر بوده که البته این پیام را میرساند که ممکن تفاوتی که در سطح اشتراک زنان بمقایسه مردان در انتخابات سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ دیده شد، ممکن در انتخابات سال ۲۰۰۹ نیز تکرار گردد. عام ترین دلیل برای عدم رای دهی در انتخابات آینده همانا موضوع امنیت میباشد. مزید بر این، نسبت کسانی که در رابطه با انتخابات بی میلی خود را ابراز میدارند همواره در حال افزایش است. تأکید بیشتر در بی تفاوت بودن مقابل انتخابات عمدتاً از طرف کسانی صورت میگیرد که میگویند به دلیل اینکه انتخابات منجر به کدام تغییری نمیگردد، رای نخواهند داد. یک چهارم زنانی که احتمال مشارکت شان در انتخابات را بعید میدانند دلیل آنرا نداشتن اجازه برای انجام دادن این کار عنوان مینمایند. این رقم دو برابر رقم زنانیست که در انتخابات سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ گفته بودند که اجازه رای دهی برایشان داده نشده بود - موضوعی که بدون شک در صورت تحقق پذیرفتن یک نگرانی جدی محسوب میگردد.

عده کثیری از سروی شده گان میگویند که آنها تا حدودی مطمئن هستند که دولت از عهده اداره و تنظیم روند آزاد و عادلانه انتخابات آینده بیرون خواهد شد. مهمترین چالش در این زمینه امنیت، ضعف حکومت و موجودیت فساد خوانده شده است.

فیصدی کسانی که میگویند در منطقه شان آزادی بیان وجود دارد از سال ۲۰۰۶ بدینسو پیوسته کاهش یافته است. یافته های سروی هذا مبین اینست که وضعیت امنیتی بصورت فزیکتی آن دست کم به همان اندازه در تأمین آزادی بیان برای افغانان اهمیت دارد که ضمانت قانونی آن دارا میباشد. نسبت کسانی که وضعیت ناهنجار امنیتی را مانع عمده فرا راه آزادی بیان تلقی میکنند افزایش قابل ملاحظه را در طول دو سال گذشته نشان میدهد.

اکثریت مطلق سروری شده گان از اصل تساوی حقوق در پیشگاه قانون بدون در نظر داشت جنسیت، قوم، مذهب و غیره پشتیبانی میکنند که البته در قسمت تساوی جنسیتی در امر آموزش پشتیبانی بیشتر ولی در ارتباط تساوی حقوق زنان در کار نمودن بیرون از منزل کمتر میباشد. اکثریت نسبی سروری شده گان اعم از مردان و زنان با این موضوع که نمایندگی شان در هر نوع ارگانهای دولتی توسط زن صورت بگیرد اعتراضی ندارند، هرچند زنان بمقایسه مردان به تساوی مشارکت در رهبری سیاسی بیشتر معتقد هستند. سطح حمایت از تساوی جنسیتی در میان قشر تحصیل یافته متناسباً بلند تر است. در پاسخهای پیرامون کار نمودن زنان در بیرون از منزل یا برخوردار بودن از فرصت های مساوی تحصیلی بمقایسه سال ۲۰۰۶ کدام تغییر قابل ملاحظه وارد نشده است. این موضوع مایه تعجب نیست زیرا سیر تکاملی برخورد اجتماع با موضوع تساوی جنسیت روندیست که به زمان بیشتری نیاز دارد. با این حال، نظریات سروری شده گان پیرامون مشارکت زنان در انتخابات ارتباط واضحی با سایر نظریات ایشان در مورد تساوی جنسیت دارد. این بدان معناست که تشویق ازدیاد مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی متکی به تغییرات گسترده در سلوک و رفتار در مقابل تساوی جنسیت میباشد.

رادیو هنوز هم موقف خود را بحیث کثیرالاستفاده ترین وسیله اطلاع رسانی و عمده ترین منبع معلوماتی برای اخبار داخلی هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری حفظ نموده و بهترین وسیله برای رسیدن به مخاطبین بیشتر در سرتاسر افغانستان شناخته میشود. با این وصف، دسترسی به سایر انواع رسانه ها در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بمراتب بیشتر است. استفاده از نشریات چاپی کمتر معمول بوده و محدود به قشر دارای سطح تحصیلی بلند، بخصوص مردان که سطح تحصیلی شان دو برابر زنان هست، و آنهاییکه در شهرها زندگی میکنند، میباشد. حدوداً نصف سروری شده گان برای اطلاع حاصل نمودن از اوضاع جاری از گردهم آیی های محلی و اجتماع در مساجد استفاده میکنند. بدین ترتیب، امکان کسب اطلاعات از این طریق برای مردان نسبت به زنان بیشتر بوده که این خود مبین تداوم چالش رسانیدن معلومات مهم برای زنان افغانستان با استفاده از رسانه های رسمی یا اجتماعات محلی میباشد.